



ناصرقلی‌ساری

دَوْرَهِ بَنْدَی در تاریخ ادبی



دوره‌بندی در تاریخ ادبی



FSC
FSC C019863



TM
PEFC
PEFC/05-33-134

**Paper from well managed forests
and controlled sources**

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: سارلی، ناصرقلی. - ۱۳۵۴

عنوان و نام پدیدآور: دوره‌بندی در تاریخ ادبی / ناصرقلی سارلی.

مشخصات نشر: تهران: نشر خاموش ، ۱۳۹۷ ،

مشخصات ظاهری: ص. : ۲۲۰ × ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶-۳۶-۳۵۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ادبیات فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد

Persian literature -- Iran -- History and criticism

موضوع: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد

Persian Literature -- History and criticism

رده‌بندی کنگره: P1R3377/س ۱۳۹۷

رده‌بندی دیجیتی: ۸۶۰/۹

شماره کتابشناس ملی: ۵۵۴۲۰۳۵

دوره‌بندی در تاریخ ادبی

ناصرقلی سارلی

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی





کامپیوچن

نام کتاب:	دوره‌بندی در تاریخ ادبی
نویسنده:	ناصرقلی سارلی
طرح جلد و صفحه‌آرایی:	مجید شمس الدین
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	سراج / مجتمع چاپ رضوی
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	۳۵۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۳۵-۱

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.
ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.com | www.khamooshpubch
تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از قامیا قسمی از این
اثر، منوط به اجازه کمی ناشری باشد.

مرکز بخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردبیلهشت)، بن بست میان، شماره ۴
تلفن: ۰۹۹-۶۶۴۰۸۶۴۶-۶۶۴۰۰۹۹
فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، بنیش خیابان داشگاه، پلاک ۱۷۸
تلفن: ۰۶۴۶۱۰۰۷

إن الهدايا على مقدار مُهديها
با همه ناچيزی
تقديم است به پيشگاهِ
استاد دکتر مجdal الدين کيوانی

فهرست

۱۴	اشاره و سپاس
۱۵	مقدمات و کلیات
۱۶	درآمد
۱۹	ضرورت پژوهش
۲۰	پیشینه پژوهش
۲۲	پرسش‌های پژوهش
۲۴	محدودیت‌ها و دشواری‌ها
۲۵	دوره ادبی و مؤلفه‌های آن
۲۶	درآمد
۲۸	دوره ادبی
۲۹	روح زمانه
۳۲	زمینه‌های مادی تولید ادبی
۳۵	هنجارهای غالب
۴۰	تغییر و تحول / تکامل
۴۷	تقابل‌های دوگانی؛ کهنه و نو، سنتی و مدرن
۵۲	روایت ایدئالیستی فردی یا جمعی

فضا/ مکان مندی	۵۴
دوره ادبی و مفاهیم مشابه	۵۶
دوره‌بندی در تاریخ عمومی و ادبی: پیشینه، مبانی نظری و کارکردها	۵۹
درآمد	۶۰
دوره‌بندی در تاریخ عمومی و ادبی	۶۴
معانی دوره‌بندی	۶۶
سابقه دوره‌بندی	۶۸
دوره‌بندی به مشابه عملی انتقادی	۷۹
دشواری‌های دوره‌بندی	۸۴
کارکردهای دوره‌بندی	۸۵
نامگذاری دوره‌ها	۹۳
رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی	۹۹
درآمد	۱۰۰
رویکردهای دوره‌بندی	۱۰۴
شیوه‌های دوره‌بندی	۱۰۴
دوره‌بندی بر مبنای قرن، دهه و سال	۱۰۶
دوره‌بندی بر مبنای الگوهای زیستی / اندام و ارتکامل	۱۰۹
دوره‌بندی بر مبنای شاعران و نویسندهای بزرگ	۱۱۳
دوره‌بندی بر مبنای شعارهای ادبی یا ارزیابی‌های ادبیان هر عصر	۱۱۶
دوره‌بندی بر مبنای رویدادها، مفاهیم و دوره‌های تاریخ عمومی و سیاسی	۱۱۷
دوره‌بندی بر مبنای تناظر ادبیات با هنر و اندیشه	۱۱۹
دوره‌بندی بر مبنای زبان	۱۲۴
دوره‌بندی بر مبنای هنچارهای غالب ادبی	۱۲۴
کاربرد هم‌زمان شیوه‌های مختلف دوره‌بندی در تاریخ ادبی	۱۲۶

۱۲۹	نقد و بازاندیشی دوره‌بندی در تاریخ ادبی
۱۳۰	درآمد
۱۳۴	الف. نقد دوره‌بندی
۱۳۶	تحمیل چارچوبی ایستا بر پویایی فرهنگی و ادبی
۱۳۶	اثریکسان‌ساز دوره‌بندی و تضاد آن با یگانگی آثار ادبی
۱۳۶	عدم تمایزگذاری میان تاریخ انواع مختلف ادبی
۱۳۷	عدم انطباق با واقعیت
۱۳۸	یکدستی و انسجام ساختگی انگاره‌های تغییر و تکامل
۱۴۰	مسائل اصطلاحات دوره‌بندی و توصیف‌گرهای آن
۱۴۲	زمان پریشی
۱۴۲	سال‌ها و قرن‌های گمشده
۱۴۳	نادیده گرفتن فاصله تولید و خوانش ادبی
۱۴۴	دور منطقی
۱۴۵	نادیده گرفتن گروه‌های قومی و جنسیتی
۱۴۶	سلط مفاهیم دوره‌ای براندیشه منتقدان ادبی
۱۴۷	نمونه‌هایی از نقد دوره‌بندی
۱۵۲	ب. بازاندیشی دوره‌بندی
۱۵۲	محورهای بازاندیشی
۱۵۳	بازاندیشی فمنیستی
۱۵۵	بازاندیشی بر مبنای گروه‌های قومی و نژادی
۱۵۶	دوره‌بندی مستقل انواع ادبی
۱۵۷	بازاندیشی مرزهای زمانی دوره‌ها
۱۵۷	دوره‌بندی بر مبنای متون و ادبیان خاص
۱۵۸	جهانی‌نگری در دوره‌بندی
۱۶۱	ایده‌هایی برای دوره‌بندی تاریخ ادبیات فارسی

۱۶۳ درآمد
۱۶۴ شیوه‌های آزموده شده
۱۶۵ تدقیق موضع تاریخ ادبی: تاریخ ادبیات فارسی یا ایران
۱۶۶ مقدمات دوره‌بندی تاریخ ادبی
۱۶۷ تاریخ مستقل ادبی
۱۶۸ تاریخ مستقل انواع ادبی
۱۶۹ تکنگاری درباب دوره‌های ادبی
۱۷۰ دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی
۱۷۱ درآمد
۱۷۲ ملاک‌های دوره‌بندی تاریخ بلاغت فارسی
۱۷۳ دوره بومی‌سازی
۱۷۴ دوره شرح و تقلید
۱۷۵ دوره هندی‌گرایی
۱۷۶ دوره بلاغت مدرسی
۱۷۷ نتیجه گیری
۱۷۸ کتاب نامه

اشاره و سپاس

فکر پرداختن به موضوع این پژوهش به سال ۱۳۸۲ بازمی‌گردد. در آن سال، در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) همایش علمی یک‌روزه‌ای در باب نگارش تاریخ ادبیات برگزار گردید. زمینه‌ساز این همایش، نیازی بود که گروه مؤلفان تاریخ ادبیات فارسی آن سازمان به مبانی روش‌شناختی و نظری نگارش تاریخ ادبیات احساس می‌کردند. مجموعه مقالات این همایش که با بازبینی و افزوده‌های مؤلفان در کتابی با عنوان درباره تاریخ ادبیات در همین سازمان نشریافت، با همه اختصار یکی از محدود منابع نظری به زبان فارسی در زمینه مورد بحث است.

چند سال پیش از آن، به هنگام تحصیل در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تربیت معلم، متنی را به عنوان متن درس زبان تخصصی بر استاد فرزانه دکتر مجdal الدین کیوانی خوانده بودم که به دوره‌بندی تاریخ ادبیات فارسی می‌پرداخت؛ متنی که بخشی از مدخل

مفصل «ایران» در دایره المعارف اسلام است.

جستجویی کتاب شناختی نشان داد که در این زمینه خاص که از اتفاق ارتباط وثیقی با مبانی نظری نگارش تاریخ ادبیات دارد منابع فارسی سخت اندک شمار و نابسنده است؛ در ادبیات فارسی، گویی تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر سلسله‌های حکومتی و سبک دوره‌ها در ادبیات قدیم و بخش‌بندی‌های تاریخ سیاسی در ادبیات معاصر بی‌گفتگو پذیرفته شده است.

پژوهش حاضر، جست‌وجویی است در سابقه، مبانی نظری، رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ به طور عام و تاریخ ادبی به طور خاص. هرچند نویسنده در ابتدا در نظر داشت رهاورد این جست‌وجو عرضه طرحی برای دوره‌بندی تاریخ ادبیات فارسی باشد، اگر هم در ارائه طرحی قابل قبول توفيق نیافته باشد، مطالعه این نوشته دست‌کم می‌تواند توجه نویسنده‌گان تاریخ ادبیات فارسی و نیز علاقه‌مندان مباحث نظری این حوزه را به ابعاد و مخاطرات دوره‌بندی تاریخ عمومی و ادبی جلب کند و سویه‌های آزموده‌نشده این امر خطیرا در تاریخ ادبیات فارسی روشن سازد. بخش‌هایی از این کتاب پیشتر در قالب مقالاتی در مجله‌های نقد ادبی، فنون ادبی و تاریخ ادبیات منتشر شده است و اینک به پیشنهاد برخی دوستان، به صورت رساله مفرده‌ای در موضوع دوره‌بندی در تاریخ ادبی انتشار می‌یابد. فصل هفتم کتاب، مقاله‌ای است که نگارنده و همکار او در آن دوره‌بندی را در دانش بلاغت فارسی به کار بسته‌اند.

جای آن است که از کسان و مؤسساتی که با بذل وقت و عنایت خویش در به ثمر رسیدن این پژوهش یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم: بنیاد ملی نخبگان، با اهدای اعتبار پژوهشی، هزینه مادی انجام این پژوهش را فراهم کرد. از عنایت مسئولان آن بنیاد گرامی سپاسگزارم.

جناب آقای مهدی احمدی از سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ضمن پیگیری گاه و بیگاه از روند پیشرفت کار، امکان دسترسی به برخی منابع پژوهش را فراهم کرده‌اند. از ایشان سپاسگزارم.

کارکنان و کتابداران بخش تأمین مدارک علمی کتابخانه مرکزی دانشگاه ملی کلمبیا، شعبه بوگوتا، برخی منابع این پژوهش را در اختیار قرار داده‌اند. از ایشان تشکر می‌کنم.

خانم فاطمه سعادت درخشن اجازه داده‌اند مقاله مشترکمان تحت عنوان «دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی» که پیشتر در مجله نقد ادبی چاپ شده است، به عنوان پیوست این کتاب بازنشر شود. از ایشان سپاسگزارم.

از آقای مجید شمس‌الدین، که انتشار این کتاب را در نشر خاموش برعهده گرفته‌اند، سپاس‌ها دارم.

دخترم نگار در تنظیم و طبقه‌بندی یادداشت‌ها کمک شایانی کرده است. برای او سعادت و نیک فرجامی آرزو می‌کنم. والحمد لله اولاً و آخراً.

ناصرقلی سارلی

فصل اول

مقدّمات و كليات

درآمد

یکی از اساسی‌ترین امور مرتبط با نگارش تاریخ عمومی یا ادبی، طبقه‌بندی اطلاعات تاریخی در امتداد محور زمان است. چگونگی این طبقه‌بندی، هم تا حدود زیادی نگرش نظری مورخ را نسبت به موضوع نشان می‌دهد و هم شکل و فرم عرضه تاریخ را معین می‌سازد.

در تاریخ ادبی، در میان مفاهیمی چون نسل، جریان و مکتب ادبی، ایده «دوره» بیش از همه در طبقه‌بندی اطلاعات وارائۀ سیر تحولات ادبی به کار گرفته شده است. کاربرد دوره و به تبع آن، «دوره‌بندی» در ادبیات البته مختص تاریخ ادبی نیست؛ در فراهم آوردن شناخت نامه‌های ادبی، گزیده‌های متون از ادبیات ملّی و نیز در برنامه‌های درسی دانشگاهی نیز دوره و دوره‌بندی، آشکار یا نهان، پایه بخش‌بندی است.

کاربرد دوره‌بندی هرچند با در نظر داشتن سهولتی که پدید می‌آورد و

نظمی که در مطالعه ویرگی‌های ادبی و تغییرات آن در گذر زمان ایجاد می‌کند، ضروری و ناگزیر تلقی می‌شود، در معرض انتقادات روزافزون و بنیان‌کن قرار گرفته است؛ به ویژه آن جنبه از دوره‌بندی که متضمن تحمل نظامی از پیش‌اندیشیده و ایستا بر جریان پویای تاریخ و ادبیات است، به این عیب منسوب است که به‌نحوی به تحریف تاریخ و دادن شکل دلخواه به دگرگونی‌های آن می‌انجامد.

انتقادات یادشده بیش از آن‌که به عزل ایده دوره‌بندی از جایگاه سامان‌بخشی به مطالعات تاریخی و ادبی بیان‌جامد، سبب بازنگری‌ها و تجدیدنظرهایی در بنیادهای نظری، رویکردها، شیوه‌ها و کاربست این ایده شده و چشم‌اندازهای جدیدی در این عرصه گشوده است. حتی آن دسته از منتقدانی که با بر Sherman مشکلات و نارسایی‌های دوره‌بندی، کاربرد آن را مخل اندیشه تاریخی و ادبی می‌شمارند و نهی می‌کنند، به تلویح وجود دوره‌های تاریخی و ادبی را می‌پذیرند و گاه مؤلفه‌های ایده دوره‌بندی در آثارشان با اندکی تغییرشکل بازتولید می‌شود.

پایه‌های بخش‌بندی دوره‌ای به ویژه در تاریخ ادبی اغلب از خارج حوزه ادبیات به عاریت گرفته می‌شود. گویی آن‌چه به شکل‌گیری یک دوره ادبی می‌انجامد و دگرگونی‌های ادبی را سبب می‌شود مجموعه عواملی هستند خارج از ادبیات و محیط برآن که در مقطع زمانی مفروضی قرار گرفته‌اند.

حد و مرزهای زمانی دوره‌ها گاه چنان دقیق تعیین می‌شود و دو دوره متوالی چنان ویرگی‌های متفاوتی دارند که گویی در گذر از این دوره به دوره دیگر، جریان مستمر تاریخ ادبی یک‌باره به‌کلی متوقف گشته و از نوآغاز شده است.

نام‌گذاری دوره‌ها هرچند اغلب مبتنی بر همان پایه‌های دوره‌بندی است، اغلب آمیزه‌ای ناهمگون از اصطلاحات متنوع است و گاه نام‌هایی نامتجانس را کنار هم قرار می‌دهد. رنسانس، دوره ویکتوریایی، قرن هجدهم

و دوره رمانتیسم نام برخی از دوره‌های تاریخ ادبیات انگلیس است که هریک از حوزه و زمینه متفاوتی گرفته شده است.

نادیده گرفتن برخی چهره‌ها و جریان‌های ادبی که از نظر موزخان ادبی فرعی شمرده شده‌اند و حتی گم شدن برخی مقاطع تاریخی و قرن‌ها در برخی دوره‌بندی‌های ادبی به دلایل ادبی و گاه سیاسی، اخیراً موضوع برخی مقالات انتقادی بوده است.

تخصصی‌تر شدن مطالعات ادبی به شناسایی انواع ادبی متنقوع‌تری منجر شده است. ضمن این‌که همین مطالعات نشان داده است که سیر تحول انواع ادبی متفاوت‌الزاماً یکسان نیست. همین امر بازاندیشی دوره‌بندی ادبی را بر حسب انواع ادبی ضروری ساخته است.

نادیده گرفته شدن نقش و اهمیت زنان شاعرو نویسنده در تاریخ ادبی سبب‌ساز تجدیدنظرهایی شده در دوره‌بندی تاریخ ادبی تا این زنان بتوانند جایگاه شایسته خود را در روایت تاریخ ادبی بیابند.

با زاندیشی‌های مشابهی با درنظر گرفتن نقش نویسنده‌گان و شاعرانی که به گروه‌های قومی و نژادی و نیز به طبقات فروdest اجتماعی تعلق دارند در جریان است. برخی از این گروه‌ها مانند نویسنده‌گان و شاعرانی که نژاد آسیایی دارند در امریکا اکنون دیگر تاریخ‌های ادبی مستقل و از این رو دوره‌های ادبی خاص خود را دارند.

اغلب دوره‌های ادبی ثبت شده در ادبیات اروپایی و امریکایی امروز مجلات تخصصی خود را دارند که نام این دوره‌ها را برخود نهاده‌اند. جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این دوره‌ها، ویژگی‌ها و هنگارهای ادبی این ادوار، حد و مرزهای زمانی آن‌ها، شمول / عدم شمول دوره‌ها بریک یا چند نویسنده و شاعر، تعریف دوباره دوره‌ها در چارچوب روش‌ها و یافته‌های جدید، روابط بین‌امتدی آثاریک دوره با آثار معاصرشان و نیز آثاری که در دوره‌های پیش و پس از دوره قرار دارند همگی در معرض

بررسی‌های مجدد و بازندهیشی است.

این‌ها که بخشی از مباحث جاری در ارتباط با دوره‌بندی است پویایی پژوهش‌های معطوف به این ایده را نشان می‌دهد. اکنون پرسش این است که چگونه می‌توان با مطالعه سوابق عملی و نظری دوره‌بندی در ادبیات جهان و آگاهی از بحث‌های پویای روز در این زمینه، طرح یا طرح‌هایی برای دوره‌بندی تاریخ ادبی فارسی / ایران تدوین کرد.

ضرورت پژوهش

دوره‌بندی یکی از مهم‌ترین مباحث نظریه تاریخ ادبی است، و تاریخ ادبی به نوبه خود بخشی مهم از نظریه ادبی است. از این رو، موضوع پژوهش حاضر صرف نظر از این‌که بتواند در بخش‌بندی دوره‌ای تاریخ ادبی فارسی / ایران به کار آید یا نیاید، با در نظر داشتن فقره مباحث نظری در پژوهش‌های ادبی واجد اهمیت است.

گذشته از این، سنت نگارش تاریخ ادبی در ایران هنوز الگوهای تذکره‌نویسی را رها نکرده است؛ الگوهایی که مبتنی است بر نگارش زندگی‌نامه شاعران و نویسنندگان در گزارش‌هایی مستقل و بی‌ارتباط با یکدیگر، بی‌آن‌که به تاریخ دگرگونی‌های ادبی و سیر ادبیات بما هوادیات عنایت چندانی کند. از این جهت، گزارش‌های تاریخ ادبی مستشرقان به مفهوم واقعی تاریخ ادبی نزدیک تراست.

در تاریخ ادبی قدیم فارسی / ایران، اغلب موزخان، تاریخ سیاسی سلسله‌های حکومتی یا سبک‌های دوره‌ای را مبنای دوره‌بندی قرارداده‌اند. در مقدمه این کتب نیز جای بحث‌های نظری جدی درباره دلیل اتخاذ این الگوها خالی است و اغلب، مبناهای یادشده بی‌اندیشیده به عنوان ملاک‌های ثبیت شده دوره‌بندی تاریخ ادبی پذیرفته شده است.

در نگارش تاریخ ادبی معاصر نیز ملاک‌های بخش‌بندی اغلب ملهم از

تاریخ سیاسی است و این بدان معناست که این بخش‌بندی‌ها یا به‌سبب سهولت برگرفته شده‌اند یا مورخ ادبی، عوامل سیاسی را مهم‌ترین عامل مؤثر در تطور ادبی و شکل‌گیری دوره ادبی می‌داند. با این‌که بحث همزمانی درباره این گونه دوره‌ها معطوف به کیفیت‌های ادبی است، برش در زمانی آن‌ها را تاریخ سیاسی تعیین می‌کند.

به هرروی، می‌توان گفت چه در مقام عمل و چه در حوزه نظریه، بحث تاریخ ادبی در ایران مانند سایر جنبه‌های مطالعات ادبی نوپاست و نیاز به پژوهش‌های جدی دارد. این پژوهش در حد خود می‌کوشد اندکی از خلاصه‌ای نظری در باب دوره‌بندی تاریخ ادبی را پرکند و با بی‌بگشايد برای امعان نظر بیشتر در الگوهای تثبیت شده دوره‌بندی تاریخ ادبی و بازاندیشی آن.

پیشینه پژوهش

جز بزرخی مقالات ترجمه شده که در ضمن بحث درباره تاریخ ادبی، اشاره‌ای گذراهم به شیوه بخش‌بندی آن کرده‌اند (مانند تودوف، ۱۳۷۳) و نیز ملاحظات نظری برخی کتب تاریخ ادبیات به ویژه آن دسته که به دست مستشرقان انتشار یافته‌اند، تنها دو اثر قابل اعتنا می‌شناسیم که مسئله دوره‌بندی تاریخ ادبی فارسی / ایران را به طور جدی مطرح و بررسی کرده‌اند: در دایرة المعارف اسلام ذیل مدخل «ایران»، مقاله‌ای هست که به «دوره‌بندی تاریخ ادبی فارسی» می‌پردازد. این مقاله در واقع دو بخش است. بخش نخست سوابق عمل دوره‌بندی در کتب تاریخ ادبی فارسی را بررسی و آن‌ها را بر حسب مبنای بخش‌بندی دوره‌ای تقسیم‌بندی می‌کند: بر مبنای سلسله‌های حکومتی، بر بنیاد فرم‌ها و انواع ادبی (که بیشتر در آثار مستشرقان دیده می‌شود)، بر اساس نظریه ادبی مارکسیستی (که در شوروی سابق صورت گرفته)، بر مبنای تطورهای مستقل ادبی و عوامل سیاسی-

اقتصادی (که باز هم مربوط به شوروی سابق است)، برمبنای اصطلاحات تاریخ ادبیات اروپایی (رئالیسم، ناتورالیسم و ... به دست سعید نفیسی)، براساس سبک ولی با نامگذاری جغرافیایی (خراسانی، عراقی، هندی) (۵۹: ۱۹۹۷، De Bruijn).

نویسنده مقاله یادشده خود نیز طرحی برای دوره‌بندی دارد که در بخش دوم برآن مبنا روایتی کوتاه از ادوار تاریخ ادبی فارسی باز می‌گوید. او برای ادبیات فارسی بعد از اسلام، چهار دوره در نظر گرفته است: از سامانیان تا حمله مغول، از دوره مغول تا برآمدن صفویان، از برآمدن صفویان تا اواخر قاجار و بالآخره دوره ادبیات مدرن که قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی را دربرمی‌گیرد. در هر دوره نیز ترتیبی ثانوی در نظر گرفته شده تا سیر انواع اصلی ادبیات مانند شعر غنایی، شعر حماسی و نثر تا حد امکان بررسی شود (ibid: ۵۹-۷۳).

اثر دیگر، کتاب نظریه تاریخ ادبیات است که در دو بخش از آن درباره دوره‌بندی بحث شده است. بخش اول، بحثی نظری است که به مباحثی چون چیستی دوره‌بندی، ضرورت آن، الگوها و شاخص‌های دوره‌بندی، نامگذاری دوره‌ها و دشواری‌های دوره‌بندی پرداخته است (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۳۹-۱۶۴). تا آن جا که می‌دانیم این مفصل‌ترین بحث نظری در باب دوره‌بندی ادبی در زبان فارسی است.

بخش دیگر مربوط به شیوه عملی دوره‌بندی است که به ویژه در بحث ساختار عمومی تاریخ‌های ادبی فارسی و نیز بحث دوره‌بندی معاصر مورد توجه قرار گرفته است (همان: ۲۵۳-۲۶۵).

پرسش‌های پژوهش

۱. دوره ادبی چیست و مؤلفه‌های آن کدامند؟
۲. حد و مرز زمانی دوره‌ها چگونه تعیین می‌گردد؟

۳. دوره‌ها چگونه نام‌گذاری می‌شوند؟
۴. رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی کدامند؟
۵. دشواری دوره‌بندی ادبی در چیست؟
۶. ملاحظات انتقادی بیشتر متوجه کدام جنبه‌های دوره‌بندی است؟
۷. بازاندیشی دوره‌بندی بیشتر با محوریت کدام موضوعات صورت می‌گیرد؟
۸. طرح و رویکرد مناسب دوره‌بندی برای تاریخ ادبی فارسی / ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

محدودیت‌ها و دشواری‌ها

شاید اساسی‌ترین دشواری پژوهش‌هایی از این دست فقدان یا فقر پیشینه پژوهشی بومی است. فقدان این پیشینه، پژوهشگران‌ناچار می‌سازد به طرح مباحث عمومی ترو معرفی دامنه قلمرو موضوع بپردازد و از تمرکز بر جنبه‌های تخصصی ترو عطف توجه به جنبه‌های مغفول موضوع باز ماند. با وجود این، در این پژوهش کوشش خواهد شد ضمن به دست دادن تصویری کلی از دانش ادبی روزآمد در باب دوره‌بندی، به فراخور حال پرسش‌ها و ملاحظاتی طرح گردد.

دشواری خاص پژوهش حاضر در موضوع آن است؛ مشکل مشترک کسانی که به طور عملی ناگزیرند شکلی از دوره‌بندی را به کار بندند و پژوهشگرانی که به جنبه‌های نظری موضوع می‌پردازند. دوره‌بندی دست‌کم سه عمل انتقادی دشوار را در بردارد: تعیین ملاک‌ها و پایه‌های دوره‌بندی، تعیین حدّ و مرز زمانی و تعیین هنجار یا ویژگی‌های مشترک آثاریک دوره. هریک از این‌ها می‌تواند در معرض چالش‌های انتقادی قرار گیرد. این‌که کدام تاریخ‌ها یا سال‌ها را به عنوان آغاز و پایان دوره برگزینیم، می‌تواند تصمیمی نقدبرانگیز باشد که غالباً می‌توان به جای آن تاریخ‌ها یا

سال‌های دیگری را برگزید. این‌که ملاک‌های دوره‌بندی صرفاً ادبی باشد یا سیاسی و اجتماعی یا ترکیبی از آن‌ها، هر کدام مسائل نظری خاص خود را پیش می‌کشد. این‌که هنجارهای مشترکی که برای دوره در نظر می‌گیریم از چه نوعی باشند (مربوط به فرم باشند یا محظوا یا ترکیبی از آن‌ها)، این‌که پژوهشگران و منتقدان ادبی تا چه حد در مورد آن‌ها اتفاق نظرداشته باشند و این‌که این هنجارهای تا چه میزان تاب بررسی دقیق را می‌آورند و تا چه حد اثبات‌پذیر و قابل مشاهده و اندازه‌گیری هستند (به ویژه وقتی از دوره‌ای سخن می‌گوییم که در گذشته‌های دوردست قرار دارد)، در صورتی که پاسخ‌های مستدل و اندیشه‌ای درباره آن‌ها نداشته باشیم می‌تواند کل عمل دوره‌بندی را مورد تردید قرار دهد.

درست است که یک سلسله الگوها، رویکردها و شیوه‌های کلی در دوره‌بندی وجود دارد اما هر دوره‌بندی عملی یگانه است. این حتی در مورد دوره‌بندی ادبیات ملت و زبانی واحد نیز صادق است. وقتی دوره‌بندی زبان‌ها و ملت‌های دیگر را مطالعه می‌کنیم تنها می‌توانیم از طرز عمل آنان و برخی دیدگاه‌های نظری، الگوهایی اقتباس کنیم و گرنه دوره‌بندی ادبی هیچ ملت و زبانی را نمی‌توان بی‌تغییر در دوره‌بندی ادبی سایر زبان‌ها و ملل به کار برد.

این امر در مورد انواع مختلف ادبی نیز صادق است. انواع ادبی مختلفی که مؤلفه‌های ادبیات یک ملت هستند، شکل و زندگی واحدی ندارند. هر کدام سیر تکامل و تطور خود را داراست و حتی گاهی یک نوع ادبی از نوع ادبی دیگر زاده یا مشتق می‌شود؛ چنان‌که در ادب فارسی، غزل از قصیده گرفته شده است.

یکی از دشواری‌های این پژوهش، جمع‌آوری داده‌های است. فهم بحث‌های نظری و انتقادی در باب دوره‌بندی ادبی زبان‌های مختلف در گرو آشنایی هرچند اندک از ادبیات آن زبان، سیر تطور آن و مباحث جاری

در محافل ادبی است. وقتی منتقدان درباره شعر مدرنیستی قرن بیستم انگلستان یا دوره رمانتیسم در ادبیات فرانسه سخن می‌گویند و برای مثال، دوره‌بندی آن را به چالش می‌گیرند، فهم این مباحث و اقتباس از آن‌ها مستلزم آشنایی با زمینه بحث یعنی ادبیات مورد نظر است.